

یادداشت



امیر افشار فتوحی
دبیر تحریریه

بحران مرجعیت در قاب تلویزیون

در روزهای اخیر، اظهارات و واکنش‌های یکی از مجریان تلویزیون درباره عادل فردوسی‌پور بار دیگر بحث نقش مجری در رسانه ملی را به صدر گفت‌وگوهای رسانه‌ای بازگرداند. این ماجرا فراتر از یک اختلاف شخصی، پرسشی جدی درباره مرز میان اجرا و قضاوت در تلویزیون ایجاد کرده است. در چنین بستری، این پرسش دوباره مطرح می‌شود که آیا مجری رسانه ملی صرفاً تسهیل‌کننده گفت‌وگو است یا می‌تواند در جایگاه داور اجتماعی نیز بنشیند؟

یکی از خطرناک‌ترین لغزش‌های رسانه زمانی آغاز می‌شود که تریبون با مرجعیت اشتباه گرفته شود. صرف داشتن میکروفن، کسی را به معیار تشخیص حقیقت تبدیل نمی‌کند؛ همان‌طور که حضور مقابل دوربین، به کسی حق نمی‌دهد میزان تعهد، دلسوزی یا وطن‌دوستی دیگران را اندازه‌گیری کند.

اما به نظر می‌رسد بخشی از تلویزیون سال‌هاست گرفتار همین سوءتفاهم شده است.

اجرای اخیر، بیش از آنکه درباره یک فرد باشد، درباره یک رویکرد است. مسئله این نیست که یک چهره رسانه‌ای چه گفته یا چه نگفته است؛ مسئله این است که چرا برخی مجریان خود را در جایگاهی می‌بینند که بتوانند درباره دیگران داوری کنند؛ آن‌هم نه صرفاً درباره عملکرد حرفه‌ای، بلکه درباره نیت‌ها، احساسات و میزان همراهی اجتماعی آنان و این دقیقاً نقطه‌ای است که رسانه از کارکرد اصلی خود فاصله می‌گیرد.

در نظریه‌های ارتباطات، رسانه نهادی برای گردش آزاد اطلاعات و شکل‌گیری گفت‌وگوی عمومی است. رسانه قرار نیست شهروند خوب و بد تولید کند. قرار نیست برای افراد پرونده اخلاقی تشکیل دهد. قرار نیست درباره زمان سخن گفتن، سکوت کردن یا شیوه ابراز موضع افراد حکم صادر کند. نقد، بخشی جدایی‌ناپذیر از کار رسانه است؛ اما میان نقد و قضاوت فاصله‌ای بنیادی وجود دارد. نقد، رفتار را بررسی می‌کند؛ قضاوت، شخصیت و نیت افراد را هدف می‌گیرد. اگر این مرز مخدوش شود، رسانه به جای آنکه میدان گفت‌وگو باشد، به عرصه صدور حکم تبدیل می‌شود.

اتفاقاً یکی از شاخص‌های بلوغ رسانه‌ای، پذیرش کثرت صداهاست. جامعه انسانی متنوع است؛ واکنش‌ها نیز یکسان نیستند. برخی زود واکنش نشان می‌دهند، برخی دیرتر، برخی سکوت می‌کنند و برخی با زبان دیگری سخن می‌گویند. رسانه حرفه‌ای همه این صداها را در کنار هم می‌بیند، نه اینکه آنها را رتبه‌بندی کند.

رسانه‌ای که به جای بازنمایی کثرت اجتماعی، تنها یک روایت را معتبر می‌داند، به تدریج سایر دیدگاه‌ها را در جایگاه اتهام می‌نشاند. در چنین شرایطی، پرسش‌ها جای خود را به بازخواست می‌دهند و گفت‌وگو جای خود را به محاکمه. مشکل دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که رسانه تصور می‌کند می‌تواند سرمایه‌های اجتماعی را درجه‌بندی کند. نتیجه این نگاه، شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب است: هر چهره‌ای که سخن بگوید زیر سؤال می‌رود، و هر چهره‌ای که سکوت کند نیز متهم می‌شود. در این چرخه، مسئله دیگر «محتوا» نیست، بلکه «کنترل روایت» است.

در ادبیات رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی به سادگی ساخته نمی‌شود، اما به سرعت از دست می‌رود. اعتماد مخاطب زمانی شکل می‌گیرد که رسانه احساس تعلق عمومی ایجاد کند؛ نه اینکه مخاطب احساس کند دائماً در حال داوری شدن است. تلویزیون، به عنوان رسانه‌ای فراگیر، بیش از هر رسانه دیگری نیازمند حفظ این سرمایه است. اما در سال‌های اخیر، بخشی از این ظرفیت به جای آنکه تقویت شود، در مسیر تقابل با چهره‌هایی قرار گرفته که خود روزی بخشی از اعتبار همان رسانه بوده‌اند.

این تناقض، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های بحران در کارکرد رسانه‌ای است: حذف به جای گفت‌وگو، قضاوت به جای شنیدن، و بازخواست به جای فهم.

رسانه‌ای که خود را معیار سنجش دیگران بداند، دیر یا زود مخاطب خود را از دست خواهد داد. زیرا مخاطب برای دریافت حکم به رسانه مراجعه نمی‌کند؛ او برای فهم جهان پیچیده پیرامون خود به رسانه نیاز دارد. تلویزیون امروز بیش از هر زمان دیگری به بازنگری در تعریف «مجری» نیاز دارد. مجری حرفه‌ای کسی نیست که نقش قاضی را ایفا کند؛ کسی است که بتواند پیچیده‌ترین گفت‌وگوها را مدیریت کند، بدون آنکه خود به طرف دعوا تبدیل شود.

رسانه زمانی می‌تواند عنوان «ملی» را به‌درستی حمل کند که همه شهروندان بتوانند خود را در آن بازتاب‌یافته ببینند، نه آنکه احساس کنند هر لحظه در معرض داوری و سنجش قرار دارند.

در نهایت، مسئله اصلی نه یک نام، نه یک برنامه و نه یک واکنش خاص است؛ مسئله این است که رسانه می‌خواهد میدان گفت‌وگو باشد یا اتاق داوری. این انتخاب، سرنوشت اعتماد عمومی را تعیین می‌کند.



یک جایزه دیگر برای «آنها مرا دوست داشتند»

فیلم سینمایی «آنها مرا دوست داشتند» به کارگردانی محمدرضا رحمانی و تهیه‌کنندگی اجرایی ایرج رحمانی در ادامه حضورهای بین‌المللی خود موفق به کسب یک جایزه دیگر شد. این اثر در جشنواره بین‌المللی فیلم و موسیقی و آثار مستقل در ایالت ویرجینیای آمریکا، جایزه بهترین تدوین را برای زهره احمدی توچایی به دست آورد.

این فیلم همچنین به بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم رنگین‌کمان در لندن راه یافته و در ادامه در جشنواره بین‌المللی آمیکورتی ایتالیا نیز حضور خواهد داشت. پیش‌تر، این فیلم در جشنواره بین‌المللی آونکا در پرتغال چهار جایزه از جمله بهترین فیلمنامه و بهترین فیلم را کسب کرده بود و مورد توجه داوران قرار گرفت.



صباخبر



اتفاق کم‌سابقه در جشنواره فیلم کوتاه؛ سه فیلم از یک کارگردان

در اتفاقی قابل توجه در چهار و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، سه اثر از امیر اطهر سهیلی، فیلمساز مشهوری، به بخش «وطن به روایت من» راه یافت.

این فیلم‌ها که در دوران پرچالش حملات نظامی ساخته شده‌اند، بر تجربه زیسته انسان در شرایط بحرانی تمرکز دارند و به موضوعاتی چون اضطراب، امید و تاب‌آوری می‌پردازند.

بخش «وطن به روایت من» با رویکرد اجتماعی و ملی، میزبان این آثار شده و نگاه این فیلمساز به بحران و زندگی روزمره را به نمایش می‌گذارد.

حضور همزمان سه اثر از یک فیلمساز در این بخش، بازتاب قابل توجهی در میان فعالان و منتقدان سینمای کوتاه داشته و به‌عنوان رخدادی کم‌سابقه ارزیابی شده است.



ایرنا

محمدحسین رنجبران در واکنش به کنایه شهبازی به فردوسی‌پور:

باز هم گلی به گوشه جمال عادل که پای ایران ایستاد



محمدحسین رنجبران، کارشناس رسانه، در مطلبی که در صفحه شخصی خود منتشر کرده است، به اظهارات اخیر شهبازی درباره عادل فردوسی‌پور واکنش نشان داد و نوشت: «آقای عادل تقریباً دو سال پیش در مخالفت با تصمیم مسئولان سازمان صداوسیما برای برنامه دادن به رضا رشیدپور و رامبد جوان صحبت کرده بود و با صراحت گفته بود «ما اسکول نظام نیستیم»، حالا به عادل فردوسی‌پور گفته است: «تا حالا کجا بودی که درباره جنگ اظهار نظر نکردی؟»

رنجبران در ادامه با اشاره به همان موضع‌گیری پیشین، اظهار کرد: «این آقا در مخالفت با تصمیم‌سازی دوستان و همفکران نزدیکش در رأس سازمان صداوسیما آن قدر عصبانی است که چنین جملاتی را به زبان می‌آورد؛ در حالی که حزب‌الله واقعی کسی است که حتی اگر او را «اسکول نظام» تصور کنند، با افتخار به کار خود ادامه دهد.»

وی همچنین با یادآوری عملکرد نسل‌های پیشین مدیران و کارکنان رسانه ملی افزود: «آنهايي که ریشه در خاک جام‌جم داشتند و پس از انقلاب اسلامی پله‌پله رشد کرده بودند، با تواضع، اعتقاد و تبعیت از مدیران



مجرب، وظایف خود را انجام می‌دادند و با وجود درآمدهای اندک، نتیجه تلاش خود را در موفقیت آتن می‌دیدند.»

این کارشناس رسانه با بیان اینکه همه اقدامات عادل فردوسی‌پور را تأیید نمی‌کند، گفت: «نقدهایی به او دارم که هم پیش‌تر و هم اکنون بی‌واسطه مطرح کرده‌ام و او نیز با سعه صدر آنها را شنیده است. با این حال معتقدم در مقطعی که فردوسی‌پور را کنار گذاشتند، به او، رسانه ملی، مخاطبان و در نهایت نظام جمهوری اسلامی ظلم شد.»

رنجبران مدعی شد که در زمان اتخاذ این تصمیم تلاش کرده است از وقوع آن جلوگیری کند. او نوشت: «به اندازه اختیاراتی که داشتم تلاش کردم این اتفاق رخ ندهد و با اطلاع‌رسانی به‌موقع به مسئولان ارشد کشور، این تصمیم

صباخبر



بیانیه‌ای از اسکورسیزی که جنجال‌ساز شد

انتشار بیانیه‌ای از مارتین اسکورسیزی، کارگردان مطرح سینمای جهان در روزنامه نیویورک تایمز بار دیگر بحث حضور هوش مصنوعی در صنعت سینما را به صدر اخبار آورد. تیترا این مطلب با عنوان «مارتین اسکورسیزی هوش مصنوعی را می‌پذیرد» و واکنش‌های گسترده‌ای را در میان اهالی سینما برانگیخت.

با این حال، اسکورسیزی از استفاده مستقیم هوش مصنوعی در ساخت فیلم‌هایش سخن نگفته، بلکه از همکاری با یک شرکت فعال در حوزه تولید تصاویر هوش مصنوعی برای طراحی پیش‌طرح‌های تصویری فیلم جدیدش با عنوان «آنچه در شب اتفاق می‌افتد» خبر داده است.

اسکورسیزی همچنین به استفاده از فناوری سه بعدی در فیلم «هوکو» و فناوری جوان‌سازی چهره در فیلم «مرد ایرلندی» اشاره کرده است. در حالی که بخش بزرگی از صنعت سینما همچنان نسبت به هوش مصنوعی موضعی محتاطانه دارد، برخی فیلمسازان سرشناس از جمله جیمز کامرون، مایکل مان و جورج میلر از ظرفیت‌های این فناوری برای گسترش امکانات سینما حمایت کرده‌اند.



مهر



قتل فجیع بازیگر هالیوودی در خانه‌اش

جیمز هندی که برای نقش آفرینی در فیلم‌های «تاپ گان: مائوریک» و «جومانجی» شناخته می‌شد، پس از ضربات چاقوی مرگبار در خانه جان باخت و به گفته پلیس، پسر شریک زندگی او این جنایت را مرتکب شده است.

این بازیگر ۸۱ ساله ساعت ۹:۳۰ صبح روز چهارشنبه در حیاط جلویی خانه خود در منطقه تارزانا، کالیفرنیا پیدا شد. مایکل گلد هیل ۴۴ ساله، پسر شریک زندگی این بازیگر، دستگیر و به ظن قتل متهم و وثیقه او برای آزادی موقت دو

میلیون دلار تعیین شده است. طبق بیانیه پلیس، تماس‌گیرنده به ۹۱۱ گفته است: «من پسر انسان هستم، من مرد گناه را کشتم.» هنگامی که پلیس به محل رسید، گلد هیل به مأموران گفت که او «کسی است که به دنبالش بودند.» حرفه بازیگری او در سال ۱۹۷۷ با مجموعه تلویزیونی «رایانر هوپ» آغاز شد. او همچنین در آثاری چون «لوگان»، «کی-۹۱۱»، «نظم و قانون»، «ان‌سی‌ای‌اس: لس‌آنجلس» و «ذهن‌های جنایتکار» نقش آفرینی کرده است.



ایستنا